

هفتم - ادوار و حالت کار و عقاید سیاسی وی

(۱۸۹۲ -)

شرح حال و آثار:

پروفیسور ادوار حالت کار (۱) متولد سال ۱۸۹۲ در انگلستان از نویسندگان و مفسرین سیاسی معروف معاصر میباشد که تحریرات و اقوال وی غالباً حجت و مورد توجه و مرجع است بخصوص در تفسیر اوضاع سیاسی معاصر و حوادث بین المللی و دوره بیست ساله بین دو جنگ بزرگ جهانی که آنرا بحران بیست ساله یا « بیست سال بحران » نام میگذارد و در تحلیل اسباب و علل جنگ و پیش بینی اوضاع جهان آینده نظریاتش غالباً صائب و متکی بمنطق و استدلال تاریخی و علمی است. در امریکا نیز شهرت داشته بخصوص مطالعه دو جلد از کتب وی بنام « بیست سال بحران » - ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹ (۲) و کتاب « شرایط صلح » (۳) در

(۱) Edward Hallett Carr در سال ۱۹۴۸ از طرف دانشگاه معروف

کلمبیا در نیویورک دعوت شد که یک دوره سال تحصیلی مزبور تدریس دوره درسی تحت عنوان سیاست بین المللی International Politics را در عهده گیرد تا دانشجویان علوم سیاسی مستقیماً با وی مواجه شده، وسیله پرسشها و شور و تحقیق از نظریات سیاسی او در باب اوضاع بین المللی زمان معاصر مستحضر شوند. نگارنده این سطور نیز در آن سال در دانشگاه کلمبیا به تحقیق و مطالعات علمی اشتغال داشت و در تمام کنفرانسها و جلسات بحث و تدریس وی حاضر بوده در پایان دوره مزبور نیز نامه ای به نگارنده نوشته از حضور وی در کنفرانسها ابراز مسرت نمود.

The Twenty Years of Crisis 1919 to 1939 (۲)

Conditions of Peace (۳)

غالب دانشگاه‌ها در شعبه های علوم سیاسی و روابط بین المللی بدان‌ها دانشجویان توصیه میشود .

پروفسور کار تحصیلات مقدماتی و متوسطه خود را در لندن و تحصیلات عالی را در کمبریج انجام داده در سال ۱۹۱۶ به خدمت اداری در وزارت خارجه انگلیس وارد گردیده . در ۱۹۱۹ همراه هیئت نمایندگی انگلیس بکنفرانس صلح پاریس رفت . در کنفرانس سفر را در پاریس نیز شرکت نمود بعداً سمت دبیر سوم و دبیر دوم در وزارت خارجه انگلیس اشتغال بکار داشت و چندی بسمت نماینده دولت انگلستان به ریگا و لاتویا ماموریت یافت در سال ۱۹۲۹ مجدداً بوزارت خارجه انگلیس منتقل گردید .

سپس بسمت معاون مستشار امور جامعه مال و بعد از آن بسمت دبیر اول وزارت خارجه منصوب شد . چندی نیز در وزارت اطلاعات انگلیس ریاست اداره تبلیغات را داشته .

در سال ۱۹۳۶ از خدمت در وزارت خارجه مستعفی و در دانشگاه موسوم به یونیورسیتی کالج واقع در شهر ابری ستویت در ویلز انگلستان (۱) بسمت استاد سیاست بین المللی تعیین گردید و تاکنون در آن سمت باقی و بتدریس اشتغال دارد .

تحریراتش جذاب و مؤثر است و در خواننده تأثیری بسزا میکند زیرا بواقعیات نزدیک شده و از تخیلات و حدسیات و فرضیات اجتناب میورزد

علاوه بر دو کتاب « بیست سال بحران » و « شرایط صلح » که در سالهای

۱۹۴۰ و ۱۹۴۲ انتشار یافته و بدان اشاره شد در حدود هشت جلد کتب دیگر تحت عناوین مختلف عموماً در (تحلیل) روابط بین المللی و سیاست جهانی و نقش انگلیس و آمریکا و روسیه شوروی در جهان امروز نگاشته که از آن جمله است :

« روابط بین المللی از آغاز پیمانهای صلح » نشریه سال ۱۹۳۷ (۱)

« ناسیونالیسم و بعد » نشریه سال ۱۹۴۵ (۲)

آخرین کتاب وی که در سال ۱۹۴۷ انتشار یافته به « تأثیر تماس روسیه شوروی با جهان غربی » (۳) موسوم است و ما تلخیصی از کتاب « بیست سال بحران » که ظاهراً مهمترین کتاب وی تلقی گردیده و هم مختصری از عقاید سیاسی که در کتاب « شرایط صلح » ابراز داشته است در اینجا ذکر میکنیم و هم یک فصل از متن آخرین کتاب او را در تحلیل تماس روسیه شوروی با جهان غرب و تأثیر انقلاب آن کشور در غرب زمین برای نمونه عیناً ترجمه و نقل مینمائیم.

International Relations since the Peace (۴)

Treaties

Nationalism and after (۵)

The Soviet Impact on the western World (۶)

در خلاصه و اصول عقاید سیاسی پروفیسور کار در تحلیل اوضاع سیاسی جهان معاصر

(الف) مقدمه در تراز اصلی پروفیسور کار

پروفیسور کار در تحریرات خود بطور کلی این تزلزل را تعقیب کرده و این عقیده را محور و مدار بحث خود قرار میدهد که « یکی از علل بحران و اختلافات زمان معاصر، جنگ بین مسلک خیال پرستی (ایدئالیسم یا یوتوبیا ۱) با مسلک اصالت واقع (رئالیسم ۲) است »

بعقیده پروفیسور کار مدت بحران بین دو جنگ جهانی نتیجه این مبارزه و نتیجه اختلاف بین دو طبقه افراطی و تفریطی طرفداران این دو مکتب بوده و برای ایجاد صلح و آرامش در جهان باید این دو عنصر را با یکدیگر ترکیب نموده موازنه ای بین یوتوبیا و رئالیسم برقرار سازیم (۳)

و همچنین اختلاف بین دو روش اصالت فرد (۴) و روش اصالت جمع (۵) را یکی دیگر از مظاهر دو اصل فوق و علت جنگها و بحرانهای جهان معاصر شمرده روش اصالت فرد را مظهر فلسفه خیال پرستی و روش اصالت جمع را از مظاهر فلسفه اصالت واقع یا واقع پرستی میدانند و این

Utopia , Idealism (۱)

Realism (۲)

(۳) کتاب « بیست سال بحران » صفحه ۲۳ فصل ۲

Individualism (۴)

Collectivism (۵)

مطلب را نیز مربوط بهمان اصل یا تراول دانسته در واقع منشأ واصل اختلافات و بحرانیهای عالم بشری را همان جنگ بین دو فلسفه خیال پرستی و واقع پرستی می‌شمارد. میگوید مظاهر این دو فلسفه متعدد است و در شئون مختلف زندگی بشری و حیات اجتماعی تحت عناوین مختلف جلوه میکند.

مثلاً دموکراسی را مظهر فردیت و خیال پرستی و کمونیسم را مظهر روش اصالت جمع می‌شمارد.

و پس از بحث مفصل در این باره چنین نتیجه می‌گیرد که علاج بدبختی های بشر در زمان معاصر آن است که بین مظاهر دو فلسفه ایدئالیسم و رئالیسم و در روش اصالت فرد و اصالت جمع و عبارت دیگر بین دموکراسی غربی و کمونیسم آشتی و سازش برقرار سازیم و دستگاه و روشی بوجود آوریم که حد وسط بین این دو طریقه باشد و حاوی خواص مفیده هر دو و شامل صفات شایسته زمان باشد.

پروفسور کار در زمان معاصر از جمله نویسندگان و متفکرینی است که مانند جان دیووی و ویلیام جیمز طرفدار وضع طریقه و روشی بین دموکراسی و کمونیسم است.

وی در جای دیگر دو عنصر اخلاق و قدرت را از مظاهر فلسفه خیال پرستی و فلسفه واقع پرستی معرفی کرده از ترکیب این دو و ایجاد موازنه و هم آهنگی بین این دو راتاکید میکند.

در جای دیگر روشن فکران (۱) را از مظاهر خیال پرستی و اداره -

پرستان (بورو کر آنها) رامظهر واقع پرستی شمرده و باز سازش بین
ایندو طبقه را توصیه مینماید (۲)

هرچند این فکر و این پیشنهاد بسبب تضادهای مشخص و مشهودی
که بین دو طریقه حکومت دموکراسی و کمونیسم و اداره امور اجتماع در
این دو طریقه دیده میشود در نظر اول ممتنع و بعقیده بعضی این خود نیز
جزء خیال پرستیها و در زمره آمال و آرزوهای دور و دراز و غیر عملی
(ایدالها و یوتوییا) بنظر میرسد ولی در توضیحات بیشتری که در زیر در باره
عقاید پروفیسور کار خواهیم داد معلوم خواهد شد که نظریات وی تا چه
درجه به ایدالیسم یا به رئالیسم نزدیکتر است

روپهمرفته با تصدیق باینکه تحلیل پروفیسور کار از اوضاع سیاسی
زمان معاصر جذاب و دلنشین است و نیکو انجام گرفته یک دستور صریح
و مثبت و یک طرح عملی که عالم واقع شناس (رئالیست) و فلسفه اصالت
واقع بتواند آنرا هضم نماید بدست نمیدهد و در پایان در عین حال که
خواننده را باقون کلمات و منطق خود شاید قانع ساخته و مؤمن بگفتههای
خود میکند باز او را در عالم خیال و ابهام نسبت با اوضاع سیاسی زمان
معاصر و بخصوص در مورد صحنه جهان آینده بحالت گیجی و سرگردانی
رها مینماید.

پروفیسور کار در کتاب « بیست سال بحر ان » که مینویسد در سال
۱۹۳۷ نقشه و اصول مندرجات آنرا طرح کرده و در سال ۱۹۳۹ یعنی
مصادف با آغاز جنگ دوم جهانی بچاپ رسیده ابتدا تاریخ علم سیاست

بین‌المللی و سیرانرا بطور خلاصه ذکر کرده‌سپس وارد این بحث میشود که بیست سال و دو ماه فاصله بین جنگ اول و دوم یعنی از سال ۱۹۱۹ (پیمان ورسای ۱) تا سال ۱۹۳۹ (یعنی آغاز جنگ دوم) در حقیقت دنباله جنگ اول بود و آرامش در جهان صورت حقیقت نپذیرفته لذا آنرا بیست سال بحران نام نهاده . بیست سال مزبور را منشأ انقلابات و تحولات تازه در اوضاع بین‌المللی و دوره تهبه جنگ دوم جهانی می‌شمارد . سپس بتحقیق در بحران مزبور و مسئله قدرت سیاسی و اخلاق و اساس حقوق و قانون و مبنای پیمانها و بنیان مشاجرات بین‌المللی پرداخته در پایان در باره آینده احتمالی يك نظم نوین بین‌المللی و جهانی بحث میکند .

حالت کار به پیمان ورسای انتقاد میکند و شکست پیمان مزبور را مورد بحث قرار داده چنین نتیجه میگیرد که « کنفرانسهای صلح باید هدف اصلی خود را حل مسائل اساسی قرار دهند نه تعیین حدود مرزها و نقشه کشی جغرافیائی روی کاغذ » (۲) و میگوید بیست سال بحران مزبور بهترین موضوعی است برای تحقیق و مطالعه مدعیان آینده صلح که وقایع آنرا همیشه در مدنظر نگاهدارند و آئینه عبرت شمارند .

گوید : « پیمان صلح ورسای و اقدامات متفقین بعد از جنگ اول که پیمان مزبور را حل و تصفیة مسائل سیاسی جهانی پنداشتند اگر چه مقررات فاسیونالیسم آلمان را درهم شکست ولی اوضاع و شرایطی را که موجب آثار

Treaty of Versailles

(۱)

(۲) « بیست سال بحران » X مقدمه

ناسیونال سوسیالیسم بوده و وجود آنرا ممکن میساخت بحال خود باقی گذاشت» (۱) نویسنده در اینجا بطور وضوح توجیه نمیکند که آن شرایط و اوضاع چه بوده و چه باید کرده باشند تا آنرا تغییر دهند.

حالت کار در جای دیگر نظریات اتحادیه نظارت دموکراتیک انگلیس را که تشکیلاتی بود از روشنفکران انگلیس و معتقد بودند جنگ اول جهانی نتیجه نظارت و کنترل دیپلماتهای انگلیس بود (۲) در سیاست خارجی تمام کشورهای جهان رد کرده (۳) و ظاهراً چنین بنظر میرسد که نظریه اخیر با سایر نظریات نویسنده سازگار نیست.

(ب) نتیجه جنگ خیال پرستی با واقع پرستی

بطوریکه در مقدمه این مبحث اشاره شد بیت الغزل و محور تحقیقات پروفیسور کار تز فوق است که میگوید در جهان معاصر دو نوع عقیده متضاد وجود دارد و مردم جهان بدو دسته تقسیم شده یکدسته خیال پرستان (۴) و دسته دیگر آنها که طرفدار واقعیات بوده واقعیات و حقایق مشهود را مبنای افکار و اعمال و افعال خود قرار داده اند. این دو مکتب بعقیده وی مظاهر مختلف دارند و با عناوین و اسامی متنوع و متشتت در تمام شئون زندگی اجتماعی و صحنه حیات بشری آشکار شده بمبارزه پرداخته اند و هر یک از سیاستمداران و زمامداران و سیاسیون و متفکرین

(۱) کتاب مرور ص ۴ X مقدمه

(۲) دیپلماتهای پروفیسور ل : منظور مامورین وزارت خارجه انگلستان

در سایر کشورهای جهان .

(۳) کتاب مرور فصل ۲ صفحه ۲۴

(۴) یوتوپیاست Utopianists

و فلاسفه سیاسی بنحوی و تحت عنوانی از آن نام برده‌اند معیناً همه از يك اصل و يك منبع ناشی گشته‌اند و فروع يك اصل‌اند که همان مبارزه بین ایدالیسم و رئالیسم باشد.

برای وضوح مطلب و بمنظور سهولت مراجعه، اسامی متنوع و مظاهر مختلف دو مکتب فوق را که پر و فوسور کار در فصول مختلف کتاب بیست سال بحران و سایر تحریرات خود نام برده و یا سایر نویسندگان سیاسی معاصر در تحریرات خود از آن نام برده‌اند استخراج کرده در جدول صفحه بعد ثبت میکنیم تا کمکی مفید به خواننده این کتاب باشد.

فناورین مختلف مظاهر دو گانه و متخالف عقاید و

مکاتب سیاسی

() مسلك واقعه یا واقع پرستی
(رئالیسم)

- ۱- جبر
- ۲- مرحله ثانوی یا بلوغ علوم سیاسی که بعقیده بعضی پایان مرحله خیال پرستی است .
- ۳- جبر یا تبعیت از سر نوشت و تقدیر یعنی اعتقاد باینکه نسبت بچریان وقایع قبلا تصمیم گرفته شده و انسان ضعیف تر از آن است که بتواند تغییری در آن دهد.
- ۴- توجه بگذشته و گرفتن درس و سرمشق از گذشته
- ۵- کوتاه فکری و تنگی دماغ- بوروکرات و مرد کار و فعالیت که توجه بعمل دارد .
- ۶- اتکاء به تجربه
- ۷- محافظه کار (کنسرواتیسم)
- ۸- راست و معتدل
- ۹- متکی ب سیاست (پلیتیک) و به شاهدات و زبرکی و فن برخورد با حوادث که کمتر بفرضیه توجه دارد و تجربه را ملاک عمل قرار میدهد
- ۱۰- نقشه خود را طبق واقعیات جهان تنظیم میکند و بر طبق سیر واقعیات تغییر میدهد .
- ۱۱- ابن الوقت است و در عین حال طرفدار حفظ وضع موجود (استاتس کوئو)
- ۱۲- پیرو تجربیون و طرفدار اصالت تجربه است (امپریست)

(۱) مسلك مدینه فاضله یا

خیال پرستی

(یوتوپیا نیسم)

- ۱- اختیار
- ۲- مرحله بدوی یا مرحله کودکی علوم سیاسی .
- ۳- اختیار یا اراده آزاد انسان بنحو داو طلبی یعنی انسان آزاد و مختار است که با اراده خود سیر حوادث را تغییر دهد .
- ۴- توجه بآینده .
- ۵- روشنفکری و توسعه دماغ که خیال بافی نتیجه آن است (اتملکتوال یا مرد قریحه و فکر که با ایدآنها و فرضیه ها دلخوش است)
- ۶- اتکاء به علم .
- ۷- افراطی (رادیکالیسم)
- ۸- چپ و افراطی
- ۹- متکی باخلاق (انیکس) و منطق احساسات که در ترجمه و تفسیر فرضیه خود بعمل ضعیف است
- ۱۰- میخواهد جهان را طبق نقشه خود طرح و اداره کند
- ۱۱- تابع عقیده و روش ثابت است و در عین حال طرفدار تحول و تغییر .
- ۱۲- پیرو عقلیون و طرفدار اصالت عقل است (راسیونالیست)

فهرست اسامی بعضی از
واقع پرستان معروف

ماکیاولی (ایتالی)

باکون (انگلیس)

در روسیه :

لنین

سوردلوف (۲)

استالین

فهرست اسامی بعضی از

خیال پرستان معروف

وودرو ویلسون رئیس سابق

جمهوری امریکا

در روسیه :

بوخارین

کامنف

رادک (۱)

تروتسکی

پروفسور کار در فصول مختلف کتاب خود باین نتیجه میرسد که باید
بین ایندو نوع فکر سیاسی و مظاهر مختلف آن ایجاد موازنه نمود و
آندورا بایکدیگر سازگار ساخت چنانکه گوید :

« فکر سالم بشری و فعل صحیح انسانی باید بین جبر و اختیار ایجاد
موازنه و تعادل نماید »

در جای دیگر گوید :

« علوم سیاسی باید بر پایه ترکیبی از فلسفه جستجوی مدینه فاضله
و فلسفه واقع بینی گذاشته شود » (۳)

معهدنا از سیاق تحریر و عقیده وی چنین استنباط میشود که بیشتر
تمایل به بوروکراسی و رئالیسم و امپریسم است یعنی بیشتر بمظاهر
اصالت واقع تمایل دارد تا خیال پرستی چنانچه در وصف زمامداران انگلیسی
مینویسد :

Radek

(۱)

Sverdlov

(۲)

(۳) کتاب مزبور فصل ۲ ص ۲۳۸

« اهمیت اعلاى دستگاه ادارى كشورى دولت انگليس تا درجه‌اى
 نتیجه‌قریحه و طرز فکر ادارى (بوروکراتيك) مستخدمین دولت انگلستان
 است که بسهولت و سرعت خود را با سنت تجربى (۱) سیاست انگليس
 وفق میدهد. يك مستخدم كشورى بتمام معنى انگليسى كاملاً يك مظهر
 سياست‌شناسى انگليس است يعنى بقوانين اساسى و پيمانهاى که بسيار موقر
 و محترم مينمايد در صورت لزوم پشت‌پازده سابقه را بهدايت غریزه قضاوت
 و تحليل اينکه اخذ چه طريق صحيح است مبنای عمل خود قرار میدهد » (۲)
 ولى درجای ديگر هم ديپلماتهاى انگليس را از لحاظ اينکه سياست
 را در انحصار خود قرار داده‌اند مورد انتقاد قرار داده و به پيروي از عقیده
 وودرو ويلسون (۳) رس جمهورى كشورهاي متحده آمريکا در زمان
 جنگ اول جهانى که جداً مخالف انعقاد قراردادهای سري بين كشورها
 بود و تحریم آنها را يکى از مواد پيشنهادى خود برای صلح عالم معروف به
 چهارده ماده ويلسون قرارداد پيمانهاى سري بين كشورها را از اسباب
 و علل جنگها ميشمارد و در اين باره چنين مينويسد :

« جنگ جهانی ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ به اين دو نظريه که ميگويد (جنگ
 تنها در سربازان پروفسيونل مؤثر است) و (مسائل بين‌المللى را ميتوان
 با اطمینان خاطر بدست ديپلماتهاى پروفسيونل سپرد) خاتمه داده. مبارزه
 برای تعميم سياست بين‌المللى و خارج کردن آن از انحصار ديپلماتهاى
 دولتى در كشورهاي انگليسى زبان بصورت يك نوع طغيان احساسات بر
 ضد پيمانهاى سري بين دول جلوه گر شد و آنها را يکى از علل جنگ شمردند ».

Empirical

(۱)

(۲) کتاب مرور فصل ۲ صفحه ۲۲

Woodrow Wilson

(۳)

تاریخ بحرانهای بین‌المللی

حالت کار نظری اجمالی بقرون ما قبل نموده و معتقد است که مقدمات بحرانهای بین‌المللی از قرون وسطی آغاز گردیده . در قرون هفده و هیجده و نوزده نمو کرده و در قرن بیست بشدت خود رسیده . وی خواص قرون مزبور را از لحاظ سیر دو مظهر عقاید سیاسی یعنی خیال پرستی و واقع پرستی و مبارزه بین این دو فلسفه بشرح زیر توجیه میکند :

(۱) قرون وسطی را عصر تولد فلسفه خیال پرستی دانسته و اعتقاد به قدرت پروردگار یا حکومت خداوند (اتوریته الهی) را که گوید « سلطنت و حکومت سیاسی و روحانی امری است من جانب الله » از خواص عصر مزبور و موجب نشر و رواج خیال پرستی می‌شمارد .

(۲) قرن هفده : گوید در این قرن معتقدین بفلسفه خیال پرستی عقیده خود را تبدیل شکل داده و بجای حکومت الهی معتقد به حقوق طبیعی یا حقوق طبیعت گردیدند و واقع پرست‌ها معتقد شدند به حکومت دولت ، و قدرت دولت را بخودی خود حقوقی ثابت و طبیعی و غیره قابل فسخ و نسخ دانستند .

(۳) قرن هیجده : بعقیده وی قرن هیجده دارای خواص زیر است و این خواص عموماً موجب پرورش و تقویت فلسفه خیال پرستی گردیدند باید آنرا قرن خیال پرستی (۱) نام گذاشت :

اول : نشر فلسفه لیبرالیسم بنتهام (۲) یا آزادیخواهی و طرفداری از آزادی فرد که منتج بظهور فلسفه مفیدیت یا انتفاعی (۳) گردید .

(۱) قرن یوتویالیست یا اتوییا نیزم

(۲) Bentham فیلسوف انگلیسی

دوم رواج فلسفه انتفاعی که معتقد بود که «خوب آنست که اکثریت بپسندد و حداکثر خوبی‌ها برای عده اکثر مردم است» سوم: توجه زیاد بمسئله افکار عمومی و اهمیت دادن بدان که موجب نشر و رواج دموکراسی گردید.

(۴) قرن وزده: این قرن را دوره تنزل خیال پرستی و عصر ترقی و صعود واقع پرستی میدانند.

(۵) ربع اول قرن بیستم: بعقیده وی در ربع اول این قرن بلافاصله در سالهای اول بعد از جنگ بزرگ جهانی اول فلسفه و عقیده خیال پرستی بوسیله وودرو ویلسون رئیس جمهور سابق امریکا احیا شد و ایجاد جامعه ملل بر اساس همین خیال پرستی و ویلسون و بر پایه احیای فلسفه مدینه فاضله یا خیال پرستی بود.

(۶) ربع دوم قرن بیستم بعقیده وی دوره مرگ فلسفه خیال پرستی است و سقوط جامعه ملل و ظهور فاشیسم از آثار مرگ این فلسفه است و نیز بعد از جنگ اول جهانی از ترکیب فلسفه «هم آهنگی منافع» منسوب به آدم اسمیت (۱) با فلسفه «بقای انب» داروین عقیده خاصی بوجود آمد که حاصل آن این بود که «ملل ضعیف باید از میان بروند»

(ج) در نظام نوین بین المللی و رواج حکومت اخلاق: (۴) پروفیسور کار در اینجا وارد این بحث شده است که بحرانهای بین المللی امروزه منتج به گسیختن رشته‌های نظم بین المللی از یکدیگر گردیده و در نتیجه نظم بین المللی از میان رفته و در زمان حاضر وجود ندارد و

Adam Smith

(۱)

(۲) «بیست سال بحران» صفحه ۲۹۰ فصل ۱۴

سبب آن همانا شدت بحرانهای بین‌المللی است که بعد از اعلائی خود رسیده و بعد گوید که «نظم نوین جهان را باید بر پایه ترکیب دو عنصر قدرت و اخلاق بایکدیگر بنا گذاریم و اگر بخواهیم یکی از این دو عنصر را نادیده بگیریم امکان برقراری نظم نوین محال است.

(د) رواج حکومت اخلاق بوسیله تغییر دستگاه و روش فرهنگی.

میگوید: «طبیعت و خلقت نوع بشر چنان است که اول لحاظ روانشناسی از زور نفرت داشته و قدرت را دوست ندارد و آنچه که بهتر و بیشتر و سریع‌تر میتواند در وی نفوذ یابد و طرز فکر آدمی را تغییر دهد و مستعد قبول نظم نوین نماید همانا قدرت اخلاقی است نه قدرت فیزیکی و زور. و طریق ایجاد بسط نفوذ اخلاقی تنها بوسیله تغییر دستگاه فرهنگی ملی و خلق یک سیستم فرهنگ مشترک و نوین بین‌المللی است که عاری از تعصبات ملی باشد و بتواند ملل جهان را بیشتر یکدیگر نزدیک کرده بیشتر ایجاد تفاهم و هم‌آهنگی بین‌ایشان نماید و افکار و عقاید بین‌المللی (۱) را بیشتر بین مردم جهان رواج دهد و بالاخره بوسیله رواج طریقه نوین فرهنگی زمینه‌ای فراهم سازد که عنصر اخلاق بتواند بر جامعه‌های بشری حکومت کند نه عنصر قدرت که طبیعت انسانی ذاتاً از آن نفرت دارد.»
در اینجا نویسنده تصریح و تأکید میکند که: «... هر دو نحوه مجاهدتی که برای توجیه اخلاقی روابط بین‌المللی (از طریق تقویت عقیده هم‌آهنگی منافع آدم اسمیت و فلسفه بقای انب داروین) بعمل آمد به شکست منتهی شده امروز دیگر نه‌ما میتوانیم آئین داروین را بپذیریم که خوبی و مصلحت کل را عبارت از خوبی و مصلحت الیق و انب

میشمارد و بالتیجه معتقد بحذف اضعف و ازین بردن غیرانساب و غیرالیق میشود و نه آنکه میتوانیم آئین هم آهنگی طبیعی منافع را قبول کنیم که نتیجه آن توجیه حفظ امتیازات صاحبان منافع و امتیازات بود و زمانی درخالد قرن ۱۹ آنرا اصل مسلم و غیرقابل ردشمرند ولی هرورزمان و مواجهه با واقعیات اعتبار و صحت آنرا متزلزل نمود و خلاف آنرا ثابت کرد. و باشکست این هر دو فلسفه يك فلسفه نوین که خوبی و مصلحت يك ملت را با خوبی و مصلحت کل جامعه جهانی سازش دهد وضع نشده بدین طریق اصل اخلاق بین المللی متزلزل گشته و در نقطه بحرانی سیر تاریخ قرار گرفته است.

از بیان فوق چنین استنباط میشود که در عین حال که نویسنده علاج رفع بحران جهانی را ایجاد نظم نوین بر اساس حکومت اخلاقی میدانند نسبت بظهور و تحقق آن امیدوار نیست چنانچه مینویسد: «چنین بنظر میرسد که دیگر ممکن نیست بخرج دیگران يك نوع هم آهنگی ظاهری منافع خلق نمود» (۱) در این عبارت بدیهی است که نظرش به انگلیس و سایر قدرتهای بزرگ جهانی است یعنی انگلیس و سایر قدرتهای بزرگ هم برای نیر بهدف مزبور باید قدری گذشت و غمض عین داشته باشند و از خود هم چیزی مایه بگذارند نه اینکه هر قدرتی بخواهد همین هم آهنگی ظاهری بین ملل و دول را هم بخرج سایر قدرتها و سایر کشورهای جهان بوجود آورد بدون آنکه خودش هم از بعضی یا جزئی از منافع خود بگذرد. و نیز در این مورد گوید: «آنچه که برای يك فرد یا ملت شایسته و نیک بنظر آن فرد یا ملت میرسد دلیلی ندارد که برای سایرین پسندیده و نیک نباشد» (۲)

(۱) صفحه ۲۹۲ فصل ۱۴ کتاب مزبور

(۲) صفحات ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۹۲ فصل ۱۴ کتاب مزبور

(د) سقوط ناسیونالیسم و تشکیل دسته‌های چند ملتی :

دیگر از پیشنهاد های پروفسور کار برای تشکیل نظم نوین بین الملل، تشکیل گروپ‌ها یا دستجات مرکب از چند ملت است که جای سیستم فعلی جهان را که عبارت از وجود کشورهای واحد ملی است بگیرد. بعقیده وی دوره ورشکست ناسیونالیسم و زمان سقوط آن فرا رسیده و ثابت شده است که این طریق قابل بقانیت و از این پس ملت و ملیت موضوع نداشته و مفهومی در جهان آینده نخواهد داشت و تا هنگامیکه زمینه مساعد شود و موقع آن فرارسد که حکومت کل عالم یا حکومت جهانی جانشین سیستم فعلی گردد باید هر چند کشور متحد شده تشکیل واحدهای بزرگتر سیاسی و اقتصادی دهند. در نظم نوین آینده ملت باصطلاح زمان گذشته و امروز نمیتواند واحد قدرت باشد چنانچه امروز نیز در عمل، ملت واحد قدرت نیست.

(ه) لزوم هم آهنگی بین ملت‌ها: (۱)

پروفسور کار در اینمورد تحلیل تاریخی خاصی نموده گوید:

د (۱) انقلاب فرانسه مدعی لزوم ایجاد مساوات بین افراد بود

(۲) در قرن ۱۹ این تقاضا مبدل شد بتقاضای ایجاد مساوات بین

دستجات اجتماعی یا طبقات اجتماعی و کارل مارکس نماینده ابراز این نظریه گردید.

(۳) بیسمارک و دیزرائلی (۲) بوسیله دو عامل فرهنگ و

امپریالیسم هر کدام در ملت جداگانه را بایکدیگر متحد ساخته و راه را

(۱) صفحات ۲۹۰ تا ۲۹۷ فصل ۱۴ کتاب مزبور

(۲) Benjamin Disraeli (۱۸۰۴ - ۱۸۸۱) نخست وزیر سابق انگلیس

و نویسنده کتب متعدد

برای زاسیون سال سوسیالیسم باز نمودند و بدین طریق قبل از سال ۱۹۱۴ (که آغاز جنگ جهانی اول بود) تقاضای مساوات در غرب اروپا از مرحله دوم بلا قدم بمرحله سوم گذاشت و مبدل گشت به تقاضای مساوات بین ملت ها . سپس پروفیسور کار چنین نتیجه گرفته گوید:

« هم آهنگی نوینی که باید در آینده ایجاد کنیم همانا هم آهنگی بین افراد و یا هم آهنگی بین طبقات نبوده بلکه هم آهنگی بین ملل است »
و بار دیگر چنین استدلال میکند که چون لازمه وجود و فلسفه ایجاد بزرگترین واحدهای قدرت سیاسی امروز جهان يك وحدت ارضی و یا حالت خاص ارضی و نژادی و طبقاتی یا مذهبی نیست لذا باید واحدها بجای وضع فعلی مبدل شوند به واحدهای گروهی که متشکل از اتحادیه مجموعه ای از چند گروه اجتماعی یا ملت ها باشند .

البته این نکته از بیانات پروفیسور کار که میگوید « باید هم آهنگی بین المللی یا مساوات بین المللی را جا نشین مساوات بین افراد قرار داد » قابل بحث و تأمل میباشد زیرا ظاهراً بنظر نمیرسد که این مواد با یکدیگر مانعة الجمع باشند و تضادی بین مساوات بین ملل با مساوات بین طبقات و بین افراد وجود داشته باشد و چه بسا که بتوان این هر سه نوع مساوات را در يك طریق نوین جمع نمود .

(و) سیاست خارجی امریکا : (۱)

با آنکه کتاب « بیست سال بحران » قبل از شروع جنگ دوم جهانی تحریر یافته که سیاست خارجی امریکا در آن موقع به پیروی از آئین مونرو همان سیاست کناره گیری از امور اروپا و سایر نقاط جهان بحد افراط

بود در آن زمان امید آن نمیرفت و پیش بینی نمیشد که دولت کشورهای متحده^۱ امریکا بار دیگر وارد میدان جنگ اروپائی شود، پر و فسور کار پیش بینی میکند که امریکا مجدداً وارد سیاست جهانی خواهد شد و از سیاست کناره گیری دست خواهد برداشت.

ویش بینی این نویسنده متفکر نه تنها صورت تحقق پذیرفت و امریکا بار دیگر در جنگ های اروپائی شرکت نمود، بلکه پس از پایان جنگ نیز مجبور گردید که رویه بعد از جنگ اول را تراجیه گفته بگبارد و وارد میدان سیاست بین المللی جهان گردد و جداً در امور جهانی و بین المللی شرکت نماید.

(ز) حقوق بین المللی و اقتصادیات :

حقوق بین المللی را نیروئی برای حفظ وضع موجود (۱) دانسته و فاقد سه قدرت قضائی و مقننه و مجریه می شمارد و چنین استدلال میکند که بسبب فوق ملل و دولتی که مخالف حفظ وضع موجود هستند به بهانه های اخلاقی (نه حقوقی و قضائی) پیمانها را می شکنند لذا برای رفع بحران و ایجاد آرامش لازم است که ملل عموماً از طریق صلح آمیز و در حالت صلح و حسن تفاهم طرفدار تغییر وضع موجود شوند تا بدین طریق از جنگ جلوگیری بعمل آید. در غیر این صورت جنگ دوام خواهد داشت و اختلاف بین ملل طرفدار حفظ وضع موجود و ملل مخالف آن که دسته اول (د ر ا) یعنی واجد منابع ثروت هستند و دسته دوم (ند ر ا) یعنی فاقد منابع ثروت و امتیازات دیگرانند مسلماً منجر به جنگ میشود.

بدین طریق پروفیسور کارجنک های جهانی و اختلاف ملل را به جنک بین دارا و لدارا یا جنک بین طالبان حفظ وضع موجود و مخالفان آن معنی و تفسیر میکند .

این تحلیل البته صحیح است ولی ناقص بنظر میرسد و سبب نقص آن این است که قبل از جنک دوم جهانی نوشته شده و آثاری را که بعد از جنک در روابط بین دو قدرت بزرگ نوین جهانی یعنی امریکا و روسیه شوروی بظهور رسیده است پیش بینی ننموده زیرا اکنون بعقیده اکثر مفسرین سیاسی مسام شده است که عامل فوق تنها عامل م- و اثر در بقای اختلافات و احتمال جنگهای آینده نبوده بلکه اختلاف عقیده یا جنک ایدئولوژیک نیز در بقای اختلافات خالی از تأثیر نیست و نمیتوان عامل اخیر را نادیده گرفت .

بهر حال در باب کیفیت قدرت در نظم نوین بین الملل پیشنهادی خود چنین مینویسد :

« نظم نوین بین المللی را میتوان تنها بر اساس یک واحد قدرت بوجود آورد که بقدر کافی برای حفظ خود و حفظ تفوق خود قوی باشد بدون اینکه مجبور شود در رقابت های بین المللی جانبداری از واحد های کوچکتر نماید » (۱)

تجدید بنای اقتصادی

پروفیسور کار بلزوم تغییر در طریقه و دستگاہ اقتصادیات و تجدید بنای اقتصادی نیز اشاره کرده گوید :

« بالآخره در مورد بهترین امید نسبت به پیشرفت اصل سازش بین المللی چنین

بنظر میرسد که باید این سازش با تجدید اساس اقتصادیات همراه باشد، و اضافه میکند که «این اصل که آنچه که از لحاظ اقتصادی پسندیده است همیشه از لحاظ اخلاقی پسندیده نیست باید از حوزه جامعه ملی بمنطقه جامعه بین‌المللی بسط داده شود.» (۱)

قانون و سیاست :

پروفسور کار سیاست را به ترکیبی از خیال پرستی و واقع پرستی تعریف کرده و همچنین گوید که قانون یا حقوق نیز ترکیبی است از اخلاق و قدرت که اولی از مظاهر خیال پرستی و دومی از مظاهر واقع پرستی است .

آنگاه گوید که حقوق و سیاست نیز همیشه یکدیگر پیوسته و منوط یکدیگر اند اگر چه قدرت نهائی قانون ناشی از سیاست است .

حکومت بین‌المللی یا فدراسیون جهانی

مؤلف در پایان کتاب برای جهان آینده خواب تشکیل یک فدراسیون جهانی را دیده و ایجاد حکومت بین‌المللی را پیش‌بینی میکند ولی پیش‌بینی وی در این مورد بطوری آمیخته به بدبینی و یأس بنظر میرسد که خود بحث مزبور را به این جمله یأس آور خاتمه میدهد که :

« این نیز خیال پرستی (یوتوپیا) است »

کتاب « شرایط صلح »

(ح) در شرایط صلح

مندرجات کتاب « شرایط صلح » که در سال ۱۹۴۲ یعنی در خلال جنگ دوم جهانی برشتهٔ تحریر در آمده در حول این محور دور میزند که « جهان قدیم را باید مرده پنداشت و آنرا فراموش کرد و جهان آینده بطور کلی در دست کسانی خواهد بود که کاملاً بجهان گذشته پشت نموده بانیروی تفاهم و جرئت و قوهٔ دراکه بجهان نوین روی کنند »

بنابر این روح کتاب مزبور نه اینکه یک نوع مسلك افراطی (۱) است که سنت های دیرین را زیر پا گذارد و بارشادن و جرئت برای تغییر مچرای فکر حاضر شود سعی میکند که بر اساس فکر فوق شرایط ایجاد و تثبیت و بقای صلح را در جهان آینده کشف نماید.

پروفسور کار تحلیل خود را در این کتاب بدو جزء عمده تقسیم نموده .

(اول) نقائص و اشکالات اقتصادی را که بعقیده وی موجب بحران قبل از جنگ بوده است مورد بحث و تحلیل قرار میدهد
(دوم) سعی میکند نتیجهٔ تحلیل فوق را در موقعیت بعد از جنگ بموقع عمل گذارد و موارد استعمال تجارت زمان جنگ را در شرایط بعد از جنگ کشف نماید . و بالاخره به این نتیجه میرسد که آئین و اصولی که مردم و سیاستمداران در سال ۱۹۱۹ معتقد بودند و امید داشتند که موجب بقای صلح خواهد بود از قبیل استقلال داخلی کشورها ، از میان برداشتن

سدود تجارتي ، خلع سلاح عمومي و تعيين مرزهاي کشورها بر اساس انصاف و عدالت، امروز ديگر مورد استعمال ندارد و بيهوده است و اين شرايط و مطالب بروضيت امروز صدق نميکند ولو آنکه مورد قبول عمومي همه کشورهاي جهان هم قرار گيرد و کم و بيش بموقع اجرا گذاشته شود .

وي معتقد است که « ما بايد کاملاً به مسلك آزاديخواهي (۱) قرن نوزدهم که شامل اصل آزادي معاملات (۲) و جلب منافع و همچنين شامل عشق باستقلال ملي است پشت پا بزنيم و از اين بيعد به اصول مزبور پشت نموده مقتضيات جهان آينده را وجهه نظر خود قرار دهيم بايد يك نوع جهان نوين خلق كنيم که در آن مرزها در درجه دوم اهميت باشند و در آن طريقه نوين ملت ها را بوسيله همکاري و توحيد مساعي بايکديگر نزديک سازيم . بايد در آ جهان نوعي عقايد و تعلقات تازه وضع نموده و معمول داريم که کاملاً مخالف و نقطه مقابل ناسيوناليسم و اصل مليت و ملت پرستي باشد . »

ميگويد « ما اکنون در متن جريان بزرگترين انقلابات تاريخي قرار گرفته ايم که از زمان سقوط رم تا اکنون چنين انقلابي ديده نشده و بر ما لازم است که اين انقلاب و طبيعت آن را نادیده نگرفته اهميت آن را درک نماييم و بوجود آن اقرار کنيم »

گويد : مثلاً « هيئتار دارای افکار و عقايدی معين است که تقريباً نصف آن مقرون بحقيقت ميباشد و از آن جمله است مسئله لزوم وحدت

Liberalism

(۱)

Laissez Faire

(۲)

اروپا یا تشکیل اتحادیه اروپائی . (۱) و دیگر بیدار کردن حس يك نوع تازه از هدف اخلاقی که با هدفهای سابق فرق داشته باشد . و زمامدارانی که پس از پایان این جنگ (مقصود جنگ دوم جهانی است) اختیار حل و عقد امور جهانی بدست ایشان مفوض میگردد باید این نیمه حقیقتها و این عقاید تازه را پذیرفته و آنها را تکمیل کنند و از حالت نیمه تمام بحالت اتمام رسانند»

گوید : « این کتاب را برای مردمی نوشته ام که از خیال کردن درباره واقیعات و هم از مواجهه و مقابله با واقیعات واهمه ندارند » (۲)
 (ط) در اسباب و علل جنگ دوم جهانی :

مینویسد «جنگ دوم بمنزله انقلابی است بر صد اصول دموکراتیک و ایدالهای دموکراسی که چون ملل دموکراسی نتوانستند مسئولیت‌هایی را که قبول کرده بودند انجام دهند و از عهده نیامدند الزاماتی را که دعاوی دموکراتیک برای ایشان بوجود آورده بود صورت تحقق دهند اصول و ایدالهای مزبور رو بفساد و پوسیدگی گذاشت و بالطبع موجب انقلابی بر ضد دموکراسی و ایدالهای آن گردید .

ملتهای دارا موجب شدند که یکنوع عدم تعادل اقتصادی جهان را فراگیرد و بدین طریق حصول موازنه لازم برای امنیت بین المللی مشکل گردید .

برای حصول و تسامین امنیت بیشتری در جهان ، آن ملتهایی که تعدادشان معدود است و از منافع حاصله از تجارت جهانی و بضرر ملتهای

(۱) « شرایط صلح » صفحات ۲۵۹ و ۱۶۲

(۲) مقدمه کتاب شرایط صلح صفحات IX تا XXII

ضعیف تر و کم اقبال تر و بخرج ایشان بهره وافی برده اند باید راضی شوند که لااقل از جزئی از این منافع بگذرند .

باید در تجارت جهانی تجدید نظر و در توزیع و تقسیم منافع نیز تجدید نظر بعمل آید بطوریکه سهم منصفانه تری نصیب مناطق کشاورزی گردد . اگر بخواهیم نژادهای آینده را از اشتغال به این نوع جنگ‌های نجات دهیم باید در اوضاع اقتصادی و وظائف و عمل نیروهای اقتصادی تجدید نظر نموده حالتی رضایت بخش بدان دهیم «وهم گوید : بعضی اوقات بعضی اعمال بر اساس انسان برستی انجام میشود که بهیچ روی مشکل اختلافات جهانی را حل نمیکند و نیز تجدید تقسیم ثروت جهانی کاری عملی بنظر نمیرسد زیرا طولی نمیکشد که چنین اموال بشکل دیگر و بعنوانین دیگر در صورت حفظ سیاست اقتصادی فعلی بار دیگر در دست همین مالکین فعلی ثروت جمع میشود باید يك نقشه صحیح اقتصادی بین‌المللی طرح نمود که این عدم موازنه فعلی را از میان بردارد و مانع بروز اختلافات آینده شود و این معنی بدین طریق حاصل میشود که بر ما محقق گردد که آنچه برای همه جهان نیک و مفید است ممکن است برای هر ملت نیز نیک و مفید باشد و لذا شاید ارزش آنرا داشته باشد که مورد حمایت قلبی همه مردم جهان قرار گیرد . و ما نباید سیاست خود را محدود در دایره تنگ و كوچك منافع ملی بنماییم . »

پروفسور کار در قسمت دوم کتاب شرایط صلح موقعیت بریتانیا و فرانسه را در جهان بعد از جنگ دوم ورد بحث قرار داده . از آن جمله گوید : «انگلستان دیگر مهال است بتواند سیاست بعد از جنگ اول